

گزارش یک



تکس: President.ir

رئییسی در سفر استانی به زنجان اعلام کرد:

رشد چهار، پنج درصدی اقتصاد در سال ۱۴۰۲

نمی‌بینند و کمرشان زیر بار اجاره خانه و تورم هر روز بیشتر از دیروز خم می‌شود.

ابراهیم رئیسی، رئیس دولت سیزدهم با حضور در اجتماع مردم زنجان با محکومیت حادثه تروریستی کرمان و با بیان این که «سیاست ما دفاع از مظلومان عالم و خروشدین بر ظالمان و مستکبران است»، گفت: «توجه مردم به عاشورا همواره ما را به حق طلبی و عدالت‌خواهی دعوت می‌کند. دشمن بسیار دشمنی کرد و در این ۴۵ سال تحریم، تهدید و حمله نظامی و محاصره اقتصادی کرد اما

گروه خبر: ابراهیم رئیسی، رئیس جمهوری دومین سفر استانی به مقصد زنجان را در پیش گرفت؛ آن هم پس از حادثه تروریستی کرمان و بخشی از سخنرانی‌های او به این حادثه اختصاص داشت اما رئیس دولت سیزدهم باز از رشد اقتصادی سخن گفت. او از دشمنانی گفت که در پی جان مردم ایران هستند و حادثه تروریستی کرمان بخشی از عداوت آنها بود. اما نکته مهم آنکه رئیس دولت سیزدهم از رشد اقتصادی بالغ بر چهار تا پنج درصدی از ابتدای سال تاکنون سخن گفت؛ رشد اقتصادی ای که مردم در زندگی واقعی به‌هیچ‌وجه آن را

چهره روز

رد صلاحیت تعیین کننده صلاحیت

درباره سید محمود علوی وزیر سابق اطلاعات که برای نامزدی مجلس تایید نشد

توسط سطوح مختلف سیاسی تایید شده است که در تمام دولت‌ها، گزینه‌های پیشنهادی برای تصدی وزارتخانه‌های دفاع، امور خارجه و اطلاعات پس از تأیید رهبری برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند. محمود علوی پس از علی فلاحیان (وزیر اطلاعات دولتی‌های مرحوم هاشمی‌رفسنجانی) تنها وزیر اطلاعاتی بود که در دو دولت به‌صورت متوالی این جایگاه را حفظ کرد. سابقه وزارت محمود علوی در دستگاهی که طبق قانون، مدیریت امور اطلاعاتی و امنیتی کشور را بر عهده دارد و به‌عنوان دستنگاه اطلاعاتی مادر شناخته می‌شود، بیش از دیگر سوابقش منجر به ابراز تعجب از رصلاحیتش شد. علاوه بر این، محمود علوی هم‌اکنون به‌عنوان نماینده مجلس خیرگان رهبری مشغول فعالیت است و جایگاه این مجلس در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز کاملاً مشخص است.

ردصلاحیت‌های آقای وزیر اطلاعات

این اولین بار نیست که سیدمحمود علوی برای یک انتخابات رصلاحیت می‌شود. علوی در سال ۱۳۸۸ وارد مجلس خیرگان رهبری شد اما زمانی که برای شرکت در انتخابات مجلس نهم (۱۳۹۰) ثبت‌نام کرد، رصلاحیت شد. صلاحیت علوی برای انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس که در سال ۹۲ برگزار شد نیز، تأیید نشد؛ در همان سالی که محمود علوی به‌عنوان یک نامزد انتخابات از سوی شورای نگهبان صلاحیت حضور در قوه مقننه را پیدا نکرد اما چندماه بعد، به‌عنوان وزیر اطلاعات از آن رای اعتماد گرفت. این رصلاحیت‌ها و مستولیت گرفتن در مهم‌ترین دستگاه اطلاعاتی کشور زمانی سوال برانگیز می‌شود که علوی به گفته خودش، در انتخابات سال ۹۰ به علتی رصلاحیت می‌شود که با تمام مسئولیت‌های پیشین و پسین او تعارض دارد. علوی در اسفند ۱۳۹۰، در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا، علت رصلاحیت خود را این‌گونه اعلام کرد: «در نامه‌ای که به دست من رسیده است به استناد بند ۱ ماده ۲۸ قانون اساسی مبنی بر «عدم التزام عملی به اسلام و نظام» رصلاحیت شدم». به‌طور طبیعی این سوال به ذهن می‌آید که اگر علوی پیش از آن انتخابات نیز چنین شرایطی داشته، چگونه به‌عنوان نماینده ولی‌فقیه و رئیس سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش با حکم مقام رهبری فعالیت کرده است. اگر این عدم التزام عملی در سال ۹۰ وجود داشته، چگونه کسی که با این دلیل از گردونه انتخابات حذف شده، سکان وزارت اطلاعات را برعهده گرفته است. از سوی دیگر،



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

در میان اخبار بررسی صلاحیت نامزدهای مجلس دوازدهم، شاید هیچ خبری مثل رصلاحیت سیدمحمود علوی، وزیر سابق اطلاعات با حواشی و واکنش همراه نبوده. البته کنار گذاشتن چهره‌های سیاسی شناخته‌شده از عرصه انتخابات، مسئله تازه‌ای نیست و در یک دهه اخیر بسیار مسبوک به‌سابقه است. اما از آنجا که علوی به‌جز سوابق فعالیت‌هایش، هشت سال وزیر اطلاعات بوده است و از او به‌عنوان یک چهره اطلاعاتی-امنیتی یاد می‌شود، عدم احراز صلاحیت‌ها و اگرهای زیادی را به همراه آورده است؛ به‌طوری‌که بیش از سایر داوطلبان عدم احراز شده در انتخابات پیش‌رو مورد توجه قرار گرفته است. چگونه می‌شود بالاترین مقام وزارت اطلاعات در یک دوره‌ای که از قضا دور نیست و خود در تأیید یا عدم احراز صلاحیت نامزدهای انتخابات گذشته نقش داشته است، حال به دلیل عدم تأیید صلاحیت او، از انتخابات مجلس کنار گذاشته می‌شود؟

محمود علوی کیست؟

سیدمحمود علوی شاید از سال ۹۲ و انتصابش به‌عنوان وزیر اطلاعات برای عموم مردم شناخته‌شده باشد، اما حضور او در عرصه سیاست به ابتدای انقلاب و سال ۵۹ برمی‌گردد. در سال ۵۹ او برای اولین بار در انتخابات مجلس نامزد شد. وزیر پیشین اطلاعات، سابقه حضور در چهار دوره مجلس شورای اسلامی را دارد. او در دوره‌های اول، دوم، چهارم و پنجم به ترتیب نماینده حوزه‌های انتخابیه لارستان و سپس لامرد (استان فارس) بوده است. سابقه حضور او در مجلس خیرگان نیز دو دوره بوده و هر دو دوره را از حوزه انتخابیه تهران در انتخابات شرکت کرده است. سیدمحمود علوی در ۲۵ مرداد ۱۳۷۹ با حکم مقام رهبری، به ریاست سازمان عقیدتی - سیاسی و نماینده ولی‌فقیه در ارتش جمهوری اسلامی ایران منصوب شد و این جایگاه را تا سال ۸۸ حفظ کرد. با آغاز دولت یازدهم، علوی بر صندلی یکی از مهم‌ترین وزارتخانه‌های کشور تکیه کرد و وزیر اطلاعات شد. این مسئله

به تفرقه اجتماعی دامن نزنید!



احمد زیدآبادی
نویسنده و مشاور هم‌میهن

حوادث تکان دهنده تروریستی که تلفات بالایی به دنبال می‌آورد، معمولاً در جوامع گوناگون سبب همدلی و اتحاد اقشار مختلف مردم به قصد صیانت از امنیت عمومی و پیشگیری از تکرار آنها می‌شود. حادثه تروریستی کرمان هم مستعد آن است که دستمایه همدلی بیشتر مردم ایران با همدیگر شود، اما طبق روال معمول در کشور ما، گویی قرار است پس از این حادثه نیز شکاف و تقار تازه‌ای به تفرقه‌های موجود در جامعه اضافه شود.

مردم هر کشور به هر دلیلی که در یک جغرافیای خاص گرد آمده باشند، برای حفظ امنیت و موجودیت و بقای خود ناچارند که در کنار هم به مسالمت زندگی کنند، اختلافات اعتقادی و سیاسی یکدیگر را تحمل کنند، به منافع مشروع هم احترام بگذارند و به خصوص در موقعیت خطر و تهدید، همبستگی و انسجام از خود نشان دهند. جامعه‌ما اما سالیانی دراز است که اسیر تفرقه و تشنگی شده و تحمل و مدارا و احترام طبقات و اقشار اجتماعی به یکدیگر رنگ باخته است. هر شهروندی بر این گمان است که دیگری در صورتی از حق احترام و حیات بر خوردار می‌شود که در دست مثل او بیاندیشد و عمل کند و گرنه در زمره دشمنان قرار می‌گیرد!

بدون شک مقصر اصلی این وضعیت کسانی هستند که به دلیل کزاندیشی‌های تعصب‌آلود، به جنگ تساهل و تسامح فرهنگی و فکری برخاستند و این تنها عامل همزیستی صلح‌آمیز آدمیان در عصر نورا امری خلاف ارزش و اصول دیانت معرفی کردند!

در غیاب تسامح و تساهل، با بروز هر اختلاف فکری و عقیدتی، شمشیرها از هر سو برای بریدن سر همنوع و هم‌وطن و هم‌شهری نیز می‌شود و در آرام‌ترین حالت، اقشار اجتماعی را به حذف یکدیگر از صحنه جامعه ترغیب و تشویق می‌کند.

برهان آوردن برای این حرف‌ها همچون دلیل آوردن بر وجود آفتاب است! اما در جامعه‌ای که گرفتار بی‌تحملی و نامداری جویی شده و انواع عصیته‌ها بر دید و نگاه افراد، پرده‌ای از ظلمت تاریکی نشانده است، آیا چاره‌ای جز دلیل آوردن بر وجود آفتاب هم باقی می‌ماند؟

متأسفانه بسیاری از صاحب‌منصبان و نهادها و رسانه‌های حامی حکومت، پیش‌ساز و مروج اصلی نامداری در کشورند حال آنکه وظیفه اصلی آنان کمک به اتحاد و انسجام جامعه و نجات آن از تشنگی و تفرقه است.

بارها گفته شده است که حرف و سخن هر چند که مضموم و ناپسند و غیراخلاقی باشد، نباید مبنای بر خورد قضایی قرار گیرد.

ادامه از صفحه اول

روز دوست‌تبع تیز می‌خور، جالبه؟ نه؟! واقعا بامزه است. قبول می‌کنید؟ جهان‌پهلوان: نخیر آقا، بنده اهل این جور کارها نیستم.

صدای پشت خط تلفن: اجازه بدهید بگم تا صد هزار تومان حاضرین به شما بدن، به خاطر همین چندتا نایه.

جهان‌پهلوان: خیر آقا، انگار شما عقل و بار درست و حسابی ندارین. صدا: اما صد هزار تومان خیلی پی، می‌تونه همه مشکلات شما رو حل کنه.

جهان‌پهلوان: مشکلات منو پول حل نمی‌کنه!! [فیلم‌نامه جهان‌پهلوان تختی / علی حاتمی / مجموعه آثار / جلد دوم / صفحه ۱۳۷۵]

آن صد هزار تومان را که مطابق این روایت غلامرضا تختی در سال ۱۳۴۶ خورشیدی نپذیرفت، می‌شود مقایسه کرد با یک میلیون دلاری که ۳۰ سال بعد میخائیل گورباچف آخرین رهبر اتحاد شوروی در ازای ایفای نقشی کوتاه در فیلم تبلیغاتی «پیتراهات» و ۸۰ سال پس از فروپاشی دریافت کرد.

قیاسی اگر روا باشد در همین «فروپاشی» است. گورباچف ۸ سال بعد از فروپاشی اتحاد شوروی به دریافت آن یک میلیون دلار تن داد و تختی برای آن که دچار فروپاشی و از جانب ملت محکوم به فراموشی نشود، تن نداد و با میاه‌های امروز البته دیگر قبح اخلاقی ندارد.

اگر بخواهیم داوری بینابین داشته باشیم باید بگویم تختی به خاطر پول یا تهدید ساواک یا سرزنش و تحقیر در خانه خودکشی نکرد. به خاطر آن بود که اگر می‌خواست ادامه دهد چه در خانه و چه در جامعه نمی‌توانست تختی‌وار زندگی کند حال آنکه مردم «تختی تختی» را دوست داشتند نه تختی بی که با تختی حافظه مردم متفاوت است. پس رفت تختی بماند و نمانده مگر؟

ویلیام ورن در کتاب خواندنی «رنج و التیام» که با قلم روزنامه‌نگار صاحب‌سبک - محمد قلند - به نیکوترین شکل به پارسی برگردانده شده، می‌نویسد: «هر سال نزدیک به ۷۵ هزار نفر در جهان بر مرگ عضوی از خانواده یا عزیز یکی که خودکشی کرده، مویه می‌کنند و تنها احساس فقدان، که میراثی از شرم، ترس، طرد، خشم و گناه برای‌شان به‌جامی‌ماند، ادوین شنایدم پدر جنبش پیش‌گیری از خودکشی در ایالات متحده گفته است: آن که خودکشی می‌کند، اسکلت روانی خویش را در گنجه عاطفی مصیبت‌دیده بر جای می‌گذارد.»

اسکلت روانی تختی هم نه در گنجه عاطفی یک خانواده که در گنجه عاطفی یک ملت بر جای مانده است و هر سال در ۱۷ دی در این گنجه را می‌گشاییم و نگاهی از سر حسرت به آن می‌اندازیم؛ به سیمای زیبای تختی.

برای خودکشی قرص داخل کشوی میز است و آب از دست‌شویی بردارید. لیوان کنار شیرآب است.»

جهان‌پهلوان به طرف میز می‌رود. لوله قرص را برمی‌دارد و کف دستش می‌ریزد. دوباره در قوطی خالی می‌کند. به طرف توالیت می‌رود که لوله را ببیندازد. آب باز است. لیوان آب را بر می‌کند و آب می‌خورد. می‌آید طرف پنجره شیشه را برت کند. متوجه می‌شود ممکن است ماموران را به اشتباه بیندازد. پنجره را به سرعت می‌بندد. تلفن زنگ می‌زند. گوشش را بر می‌دارد. صدای قبلی است.

صدا: آیا تغییر عقیده داده‌اید یا ما دست به آن عمل نزنیم که آبروی هر چه پهلوان است بر باد برود؟

جهان‌پهلوان در دهنی تلفن تف می‌اندازد. می‌نشیند روی بر روی آینه به خودش، قرص‌ها و شیرآب باز نگاه می‌کند. جهان‌پهلوان روی شک خودش را مشاهده می‌کند. با خودش در حال کشتن گرفتن است. خودش را به پای برده و در لحظات جان‌فروسی مقاومت مرگبار است. در این لحظه بر اتاق قطع می‌شود. تاریکی و سکوت حاکم است.

پس از مدتی صدای باز شدن شدید پنجره شنیده می‌شود و صدای گذاشتن چند نردبان و بالا آمدن چندین نفر...

به تماشای ورزش زورخانه‌ای مشغول است و تماشا تا نیمه از سوراخ نورگیر بیرون آمده و به طرف پایین آویزان است. برای آخرین بار میل منقش به پرچم ایران به طرفش می‌آید. میل را می‌گیرد و می‌خواهد نگه دارد اما موفق نمی‌شود. پدرش پشت سرش در عیای سفیدی ظاهر شده و پایش را نگه داشته تا مانع سقوط او شود. ولی جهان‌پهلوان با میل منقش به پرچم ایران به کف گود سقوط می‌کند و در هم می‌شکند و غرقه به خون می‌شود.

چند مامور کلانتری در اتاق شماره ۲۳ می‌کنند و داخل می‌شوند. جسد تختی روی تخت افکند و شیشه قرص طرف دیگر، شیرآب باز است. پاسبانی آن را می‌بندد. وصیت‌نامه به خط جهان‌پهلوان روی میز قرار دارد. مامور دادستانی خودکشی کرده. [پایان نقل از فیلم‌نامه]

علی حاتمی در صدد آن بود که بگوید می‌خواستند اسطوره تختی را با تن دادن به تبلیغ ریش تراشی بشکنند و وزیر بار نرفت. سال‌ها بعد البته آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی حاضر به تبلیغ پیتراهات شد.

اگر بخواهیم روی این موضوع بیشتر تأکید کنیم باید بخش قبلی فیلم‌نامه تختی را هم نقل کنیم:

«صدای تلفن: به عرض مختصر، ما یک فیلم تبلیغاتی داریم برای تبلیغ ریش تراشی. خواستیم شما نقش اول اون رو بازی کنید. پلان درشتی از صورت شماست که یک دست زبیبی زبانه به اون دست می‌کنه و شما این شعر ریتمیک رومی خونیند: روضتور مورچه بیاد لیز می‌خوره / ریشام هر